



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۶ ذی القعدة ۱۴۳۴

جلسه: ۱۳

موضوع کلی: استعمال

موضوع جزئی: مطلب دوم: حقیقت مجاز

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض کردیم نسبت به قول سکاکی در باب مجاز اشکالاتی شده، سه اشکال را پاسخ دادیم.

اشکال چهارم:

اشکالی است که امام (ره) نسبت به این قول دارند، ایشان می‌فرماید: قول سکاکی با قول مشهور در یک جهت مشترک است، اشتراک آن دو هم در این است که مشهور مجاز را عبارت از استعمال لفظ در غیر ما وضع له می‌داند اما سکاکی مدعی است مجاز استعمال لفظ در ما وضع له نیست، البته اگر چه ایشان در خصوص استعاره این حرف را می‌زند ولی به هر حال می‌گوید استعاره یک حقیقت لغوی است، اشکال این است که اصلاً بر خلاف ادعای ایشان در این موارد هم لفظ در غیر ما وضع له استعمال شده، یعنی قول ایشان هیچ فرقی با قول مشهور ندارد، شما وقتی اسماء اجناس مثل لفظ «انسان» را ملاحظه می‌کنید می‌بینید این لفظ برای طبیعت حیوان ناطق وضع شده، حال اگر ما این لفظ را در یک مصداق مثل «زید» استعمال کنیم، این استعمال مجازی خواهد بود چون در غیر ما وضع له استعمال شده است، پس استعمال لفظ «انسان» در مصادیق واقعی اش استعمال در غیر موضوع له و مجازی خواهد بود، حال سخن این است که اگر استعمال لفظ در مصادیق واقعی اش استعمال مجازی باشد استعمال در مصادیق ادعایی هم استعمال مجازی خواهد بود، اصلاً لفظ وضع شده برای طبیعت اگر در مصداق بکار رود چه آن مصداق، حقیقی و چه ادعایی باشد، این استعمال مجازی و استعمال در غیر موضوع له خواهد بود، پس لفظ «اسد» که برای طبیعت حیوان مفترس وضع شده اگر در مصادیق واقعی اش استعمال شود، مجازی خواهد بود، همچنین استعمال لفظ «اسد» برای زیدی که رجل شجاع است و به نظر سکاکی مصداق ادعایی اسد است هم استعمال مجازی خواهد بود، پس فرقی بین ادعای سکاکی که می‌گوید استعاره یک حقیقت لغوی است با آنچه مشهور می‌گویند وجود ندارد و قول مشهور و سکاکی مشترک است در اینکه هر دو استعمال لفظ اند در غیر ما وضع له.^۱

پاسخ:

به نظر ما این اشکال وارد نیست؛ چون اگر سکاکی می‌گوید در استعاره حقیقت لغویه تحقق دارد و اصلاً استعمال لفظ در غیر ما وضع له نیست به این جهت است که ادعا می‌شود «زید» هم یک مصداقی از «اسد» است و فرد ادعایی «اسد»

۱. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۶۲؛ تنقیح الاصول، ج ۱، ص ۶۴؛ جواهر الاصول، ج ۱، ص ۱۷۵.

می‌باشد، منظور از فرد ادعایی در مواردی که علاقه مشابهت وجود دارد فرد خارجی و یک مصداق نیست بلکه منظور از فرد ادعایی یک قسم و یک صنف از این طبیعت است یعنی ایشان در واقع می‌خواهد بگوید: لفظ «اسد» برای یک طبیعت وضع شده که این طبیعت دارای دو قسم حقیقی و ادعایی است، قسم حقیقی آن همان حیوان مفترس است که در بیابان زندگی می‌کند، قسم ادعایی آن هم رجل شجاع است که در شجاعت به اسد شباهت دارد، بله اگر در یک مصداق خاص استعمال شد مثلاً به زید گفته شود «اسد» از باب اینکه لفظی که برای طبیعت وضع شده در یک مصداق استعمال شده، مجاز خواهد بود و از این جهت فرقی بین فرد حقیقی و ادعایی وجود ندارد.

پس اشکال امام (ره) به سکاکی وارد نیست چون او نمی‌خواهد بگوید ما اگر لفظ «اسد» را در خصوص یک مصداق ادعایی مثل «زید» که یک مصداق از رجل شجاع است، استعمال کنیم، حقیقت لغوی است بلکه می‌گوید ذهن ما به لفظ «اسد» که برای طبیعت حیوان مفترس وضع شده، توسعه می‌دهد و می‌گوید این طبیعت دو قسم دارد که یک قسم آن حیوان مفترس است که در بیابان زندگی می‌کند و یک قسم آن رجل شجاع است که در شهر زندگی می‌کند، پس منظور از فرد و مصداق، مصداقی که دارای خصوصیات جزئی است نیست تا گفته شود استعمال لفظ در آن مصداق، استعمال مجازی است بلکه منظور از آن یک قسم از طبیعت است، لذا به نظر می‌رسد این اشکال هم وارد نیست.

نتیجه: ما علیرغم اینکه اشکالاتی که به سکاکی وارد شده را پاسخ دادیم اما در عین حال قول ایشان هم به نظر ما تمام نیست؛ چون ایشان نتوانسته حقیقت مجاز را به نحو کلی تبیین کند بلکه فقط حقیقت مجاز را در خصوص استعارات تبیین کرده و در سایر مجازات نظر مشهور را پذیرفته است.

قول سوم: مسجد شاهی

ایشان بر خلاف سکاکی معتقد است در همه مجازات، لفظ در موضوع له خودش استعمال شده، یعنی استعمال لفظ «اسد» هم در «حیوان مفترس» که معنای حقیقی آن است و هم در «رجل شجاع» که معنای مجازی آن است، استعمال فی ما وُضع له است و این بدان معنی نیست که مجاز نداشته باشیم بلکه تعریف ایشان درباره مجاز با تعریف مشهور فرق می‌کند و می‌گوید تعریف مشهور صحیح نیست که می‌گویند: استعمال حقیقی، استعمال فی ما وُضع له و استعمال مجازی، استعمال فی غیر ما وُضع له است بلکه استعمال لفظ اعم از استعمال حقیقی و مجازی، استعمال در ما وُضع له است و فرق بین حقیقت و مجاز این نیست که گفته شود استعمال حقیقی استعمال در ما وُضع له و استعمال مجازی استعمال در غیر ما وُضع است بلکه فرق این دو در این است که اگر لفظ در ما وُضع له خودش استعمال شد و اراده استعمالی و جدی هر دو به معنای حقیقی تعلق گرفت، استعمال حقیقی خواهد بود اما اگر لفظ استعمال شد و اراده استعمالی به معنای حقیقی ولی اراده جدی به معنای مجازی تعلق گرفت، این استعمال مجازی خواهد بود، یعنی در معنای مجازی مراد جدی غیر از مراد استعمالی است اما در معنای حقیقی هر دو یکی هستند.

ما سابقاً گفتیم ما دو قسم اراده داریم؛ اراده استعمالی و اراده جدی. اراده استعمالی اراده متکلم از استعمال لفظ است، مثلاً وقتی متکلم می‌گوید: «اکرم العلماء»، «العلماء» معنای عامی دارد که از استعمال این لفظ معنای عام آن اراده شده است اما اگر بگوید: «اکرم العلماء الا الفساق» «العلماء» در معنای عام خودش استعمال شده چون جمع محلی به الف و لام است که افاده عموم می‌کند، پس اراده استعمالی متکلم به عام تعلق گرفته اما مراد جدی متکلم معنای عام آن نیست بلکه مراد او علماء عدول است. البته در جای خود گفته شده که این استعمال، استعمال حقیقی است نه مجازی، در بحث عام و خاص این بحث تحت عنوان اینکه آیا استعمال عام در مخصص حقیقت است یا مجاز مطرح شده است. به هر حال اراده بر دو قسم جدی و استعمالی است که گاهی این دو اراده بر هم منطبق هستند و گاهی اراده استعمالی با اراده جدی مطابق نیست، مرحوم مسجدشاهی در بحث حقیقت و مجاز از این مطلب استفاده کرده و می‌گوید: وقتی من این نظریه را در نجف مطرح کردم با استبعاد شدیدی مواجه شدم.

اصل سخن مرحوم مسجدشاهی این است که می‌گوید وقتی لفظی در معنای حقیقی خودش استعمال می‌شود مثلاً گفته می‌شود «رأیت اسداً»، اینجا لفظ «اسد» برای حیوان مفترس وضع شده و در معنای حیوان مفترس هم استعمال شده، یعنی هم اراده استعمالی متکلم به آن تعلق گرفته و هم اراده جدی او و مراد استعمالی و جدی بر هم منطبق و یکی است و این حقیقت است، پس در اینجا لفظ در ما وضع له خودش استعمال شده اما استعمال در ما وضع له ملاک برای حقیقی بودن استعمال نیست بلکه ملاک حقیقی بودن استعمال تطابق اراده استعمالی و جدی است، حال اگر متکلم بگوید: «رأیت اسداً یرمی» و قرینه «یرمی» در این کلام آورده شود قطعاً معنای حقیقی «اسد» اراده نشده لذا این استعمال، استعمال مجازی خواهد بود ولی این چنین نیست که «اسد» در غیر ما وضع له خودش استعمال شده باشد بلکه در همین مثال هم لفظ «اسد» در ما وضع له خودش استعمال شده ولی مراد جدی و استعمالی بر هم منطبق نیستند لذا این استعمال، مجازی است نه حقیقی؛ چون اراده استعمالی به معنای موضوع له که حیوان مفترس باشد تعلق گرفته ولی اراده جدی به رجل شجاع تعلق گرفته است. اگر کسی سؤال کند در جمله «رأیت اسداً یرمی» لفظ «اسد» در ما وضع له استعمال شده یا در غیر ما وضع له؟ پاسخ این است که در ما وضع له استعمال شده چون اراده استعمالی به حیوان مفترس که موضوع له «اسد» باشد تعلق گرفته ولی اراده جدی به رجل شجاع تعلق گرفته. پس همه انواع مجاز اعم از استعاره، غیر استعاره، مجاز مفرد، مجاز مرکب، مجاز در اسناد و امثال آن در ما وضع له استعمال شده و ملاک مجاز این است که اراده استعمالی غیر از اراده جدی است و تطابقی بین این دو وجود ندارد.^۱

فرق بین کلام سکاکی و مرحوم مسجدشاهی:

فرق عمده بین کلام سکاکی و مرحوم مسجدشاهی این است که سکاکی این ادعا را در خصوص استعاره مطرح کرده اما مرحوم مسجدشاهی این ادعا را در مورد همه مجازات مطرح می‌کند.

۱. وقایع الاذهان، ص ۱۰۳.

فرق دیگر این است که سکاکی قبل از استعمال، مصداق ادعایی درست می‌کند و می‌گوید: ما دو فرد داریم و عقل ما در موضوع له تصرف می‌کند و وضع جدیدی به نام وضع بالتأویل درست می‌شود و گویا فرد جدیدی برای موضوع پیدا می‌شود که فرد حقیقی نیست بلکه فرد ادعایی است اما طبق نظر مرحوم مسجدشاهی، ادعا وجود دارد اما این ادعا بعد از اطلاق و بعد از استعمال است؛ یعنی طبق نظر مرحوم مسجدشاهی ابتدا لفظ در ما وضع له خودش استعمال می‌شود لکن ادعا می‌شود از این لفظ مستعمل در ما وضع له معنای دیگری اراده شده مثلاً ادعا می‌شود منظور از «اسد» رجل شجاع است. پس هم سکاکی و هم مرحوم مسجدشاهی هر دو ادعا می‌کنند رجل شجاع، مصداقی از «اسد» است اما ادعایی که سکاکی مطرح می‌کند قبل از استعمال است یعنی ابتدا عقل دایره وضع را توسعه می‌دهد و فرد ادعایی برای «اسد» درست می‌کند سپس می‌گوید من این لفظ را در مصداق ادعایی «اسد» استعمال کردم لذا این استعمال هم استعمال در ما وضع له است ولی ادعایی که مسجدشاهی مطرح می‌کند بعد از استعمال است یعنی نخست لفظ «اسد» در معنای موضوع له خودش که حیوان مفترس باشد استعمال می‌شود سپس می‌گوید اراده جدی به رجل شجاع تعلق گرفته است.

نکته: توجه داشته باشید که در احتیاج معنای مجازی به قرینه هیچ اختلافی بین مشهور و سکاکی و مرحوم مسجدشاهی وجود ندارد و همه اینها می‌گویند باید قرینه وجود داشته باشد تا ما بفهمیم این لفظ در معنای مجازی خودش استعمال شده است و اصلاً معنای مجازی بدون وجود قرینه قابل تصویر نیست.

«والحمد لله رب العالمین»